

www.csr.ir

مفاهیم نوین حاکمیت و امنیت*

علی فلاحی

روابط بین الملل، رشته‌ای پردامنه است که موضوعات متنوعی از روابط بین‌الدولی تا فراملی را در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی دربرمی‌گیرد، به طوری که از آن به عنوان کشکولی از علوم مختلف انسانی یاد کرده‌اند. با این ویژگی که نه تنها زاینده رشته‌های مزبور است، بلکه خود زاینده ابعاد جدیدی در سطوح مختلف می‌باشد. روابط

همگام با روند تحولات وارد عرصه و حیطة رشته روابط بین‌الملل گردیده است. تا کنون مقالات و کتب بسیاری در باب نظریه‌ها و مسائل موجود در روابط بین‌الملل نوشته شده است، اما کتاب «موضوعات جدید در روابط بین‌الملل» با برداشتن گام جدیدی در این زمینه مباحث مفید و ارزنده‌ای را به اجمال مطرح می‌کند.

بین‌الملل، رشته‌ای است که با تحولات بین‌المللی قوت می‌گیرد و با آن به پیش می‌رود. لذا باتوجه به پایان جنگ سرد به عنوان نقطه عطفی در تاریخ روابط بین‌الملل، مباحث نوینی نیز

کتاب مزبور، در عین ایجاد انگیزه در خواننده، ساده و روشن است. و هدف از نگارش آن درآمدی بر بسیاری از موضوعات کلیدی و مسائل معاصر جهانی است. تروور سالمون^۱

*. نوشتار حاضر معرفی کتاب زیر است:

Trevor C. Salmon (ed.), **Issues in International Relations**, (London: Routledge, 2000).

1. Trevor Salmon

استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه آبردین و کالج اروپا، با بیش از بیست و پنج سال تجربه تدریس در این رشته، ویراستاری کتاب را به عهده داشته است. متن کتاب دربرگیرنده یازده فصل است و با نگاهی به موضوعات کلی هر بخش این‌گونه برداشت می‌شود که تأکید نویسندگان بیشتر بر مفاهیم حاکمیت و امنیت بوده است. آلن جیمز که نگارش فصل اول با عنوان «دولت‌ها و حاکمیت» را بر عهده داشته است، به

ماهیت روابط بین‌الملل، تقسیم‌بندی دولت‌ها، گونه‌های حاکمیت و وابستگی متقابل می‌پردازد. وی چند نکته اساسی را پیرامون ماهیت روابط بین‌الملل مطرح می‌کند و در نهایت پیشنهاد می‌کند که برای فهم روابط، تنها استفاده از چشم فیزیکی کافی نیست، بلکه چشم ذهن را نیز باید به کار بست. وی روابط بین‌الملل را عمدتاً در معنای روابط میان کشوری به کار برده است تا در یک مفهوم گسترده‌تر آن که دربرگیرنده بازیگران غیردولتی باشد.

در واقع بینش نویسنده، بینشی واقع‌گرایانه است، چراکه هدف از مطالعه این رشته را فهم بُعد میان‌دولتی محیط سیاسی می‌داند و معتقد است که تقریباً با هر معیاری که به کار برده شود، این روابط دولتی است که از اهمیت برخوردار می‌باشد. او در ادامه دست به تقسیم‌بندی انواع حاکمیت می‌زند و سه نوع حاکمیت را از یکدیگر ممتاز می‌سازد: استقلال

قضایی، استقلال سیاسی و استقلال ساختاری. جیمز در نوشتار خود به‌طور مداوم تلاش می‌کند تا پیوندی میان تئوری و عمل در روابط بین‌الملل ایجاد کند. در اینجا کلید واژه وی، مفهوم حاکمیت است و در نهایت می‌پذیرد که یک دولت مستقل در عمل همواره از حاکمیت و استقلال کامل حتی در درون مرزهای خود برخوردار نیست، ولی باور دارد که دولتی مستقل است که در عرصه بین‌الملل می‌تواند پویا عمل کند.

در فصل دوم کتاب، آکستمان و گرانت^۲ به مبحث «جهانی‌شدن و آینده سیاست» می‌پردازند. آنچه بیشتر مورد تأکید نویسندگان قرار گرفته است، بُعد اقتصادی جهانی شدن است. از نقاط قوت این مبحث، می‌توان به آمار ارائه شده از اقتصاد جهانی و نقش نهادهای اقتصادی خرده منطقه‌ای اشاره کرد. در این نوشته، هر دو روند جهان‌گرایی و منطقه‌گرایی مورد توجه بوده است و نمونه‌هایی همچون ناتو و بن‌بست امنیتی، روند تکامل سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بررسی شده است. نویسندگان مزبور برخلاف آلن جیمز بر این باورند که دولت‌ها تنها بازیگران صحنه بین‌المللی نیستند، آنان مبنای استدلال خود را بر افزایش رشد سازمان‌های دولتی و به‌ویژه غیردولتی می‌گذارند که مورد اخیر از سال ۱۹۷۷ تا سال ۱۹۹۶، یعنی در عرض بیست

1. Alan James

2. Roland Axtmann and Robert Grant

سال، دوبرابر شده است. آنان سپس به تبیین مفهوم تدبیر جهانی اشاره می‌کنند و آن را برابر با حکومت جهانی نمی‌دانند، چراکه تدبیر جهانی بر نیاز و مطلوبیت تأکید دارد. آکستمان و گرانت در پایان توصیه می‌کنند که وظایف دولت‌ها ممکن است صرفاً تقسیم حاکمیت خود با دیگر بازیگران باشد.

فصل سوم کتاب، با عنوان «ماهیت امنیت معاصر» نگارش شده است. راجرگری^۱، نویسنده مقاله، اهمیت امنیت را بیشتر در تصور از امنیت می‌داند تا تبلور یک تهدید نظامی. امنیت یک مفهوم زودگذر، یک پدیده شگفت‌آور و یک احساس ذهنی است، لذا امری نسبی تلقی می‌گردد. وی بر این باور است که امنیت نگرشی واقع‌گرایانه است و این مسئولیت هر دولتی است که امنیت را تأمین کند و نتیجه می‌گیرد که جهت‌گیری امنیتی تاکنون بیشتر دولت‌محورانه بوده است، اما مفهوم پیشین امنیت به معنای نظامی به چالش طلبیده شده است و در واقع روند جهانی شدن را بزرگ‌ترین چالش بر این تفکر سنتی می‌داند. در ادامه، وی درباره این مسئله که امنیت بعد جهانی یا منطقه‌ای پیدا کرده است، به ناتو به عنوان یک سازمان امنیتی اشاره و روند تکوین آن را از سال ۱۹۴۹ تاکنون بررسی می‌کند و به تحولات نوین ساختاری در سازمان مزبور می‌پردازد. نهایتاً راجرگری دست به پیش‌بینی وضعیت امنیتی جهان در هزاره جدید می‌زند. از سوی دیگر او به لحاظ روش‌شناسی، هر سه جنبه

تحقیق شامل روش توصیفی، تبیینی، و تجویزی و آینده‌نگری را رعایت می‌کند.

فصل چهارم به قلم سوگانامی^۲ به علل جنگ اختصاص می‌یابد. جنگ همواره یکی از دغدغه‌های اساسی روابط بین‌الملل بوده است و به تعبیری، دو مؤلفه جنگ و صلح، اساس و بنیان رشته روابط بین‌الملل را پس از جنگ جهانی اول و دوم تشکیل داده است. نویسنده مقاله بر این باور است که برای فهم علل جنگ، نیازمند تعریف و تبیین مفهوم جنگ می‌باشیم. وی همچون دیگر نویسندگان کتاب، نگرشی واقع‌گرایانه دارد و اساس توجه و تمرکز خود را بر جنگ میان دولت‌ها می‌گذارد. از دیدگاه او جنگ‌های داخلی، نگرانی اصلی وی را تشکیل نمی‌دهند، لذا به بررسی جنگ و نزاع میان هویت‌های غیردولتی نمی‌پردازد. به علاوه، جنگ سرد، بحران‌های نظامی و وضعیت‌های صرفاً حقوقی جنگ نیز در این کتاب به بحث گذاشته نمی‌شود. در کل، وی نگاهی معطوف به آینده دارد و اعتقاد دارد که تحقیق و بررسی از شناسایی شاخص‌های هشداردهنده جنگ سودمندتر است.

در فصل پنجم، با موضوع «مداخله نظامی و حقوق بین‌الملل»، استیون هینز^۳ با تأکید بر اهمیت و پیشینه مداخله نظامی در سیاست بین‌الملل، به عنوان ابزاری دردست سیاست خارجی یک دولت، به مسئله مداخله نظامی در

1. Roger Garey
2. Hidemi Suganami
3. Steven Haines

یوگسلاوی و کوزوو می‌پردازد و مباحثی همچون «بعد اخلاقی در سیاست خارجی» را مطرح می‌کند که همواره یکی از دغدغه‌های اصلی رژیم‌های اصول‌گرا را تشکیل می‌دهد است. وی سپس به طرح چند سؤال اساسی می‌پردازد، آیا مداخله نظامی در یک کشور، حالت یکجانبه، دوجانبه یا ائتلافی چند جانبه خواهد داشت؟ آیا بدون رضایت دولت میزبان یا سازمان ملل، امکان مداخله نظامی وجود دارد؟ و به طور کلی حیطة کمک‌های انسان‌دوستانه تا کجا قرار دارد؟

وی سپس به انواع مداخله بیطرفانه،

مغرضانه و اعمال زور می‌پردازد و این روند را با تأکید بر منشور سازمان ملل و اساسنامه ناتو دنبال می‌کند. هینز براین باور است که سه معیار رضایت، دفاع فردی و جمعی ذیل ماده ۵۱ منشور و نقش شورای امنیت بر اساس فصل هفتم و نیز ماده (۵) ناتو اساس عملیات نظامی مشروع در قبال منازعات بین‌المللی است. لذا، از یک منظر حقوقی و اخلاقی به مسئله فوق می‌نگرد و معتقد است که مقبولیت عملیات نظامی در حقوق بین‌الملل بستگی به نحوه عملکرد آن دولت دارد. در این رابطه وی نمونه‌هایی چند را مورد اشاره گذرا قرار می‌دهد، از جمله در مورد اشغال سفارت آمریکا در تهران (۱۹۸۱) اعتقاد دارد که این اقدام از سوی تهران، پاسخی نظامی را می‌طلبیده است، در حالی که با مداخله نظامی آمریکا در گراناذا مخالفت می‌ورزد و برای آن هیچ محمل قانونی پیدا نمی‌کند.

با این وجود، بخش مزبور چندان به بحث تفصیلی پیرامون نتایج پیش شرط‌های حقوقی در مورد کاربرد مداخله نظامی نمی‌پردازد. در واقع تلاش نویسنده به بزرگنمایی و برجسته کردن مداخلات حقوقی عمده و نیز تحلیل وضعیتی پیچیده که مستلزم بهره‌گیری از نیروهای مسلح است، مربوط می‌شود.

در فصل ششم، پل راجرز^۱ به «مسائل و منابع ناامنی موجود در قرن ۲۱» می‌پردازد و لذا بیشتر مباحث این بخش، بیانی هشدار دهنده نسبت به آینده دارد. وی دو نوع منبع را مورد لحاظ قرار می‌دهد: قابل تجدید و تجدید ناپذیر. اما آنچه نگران‌کننده است، منابع تجدید ناپذیر مانند منابع زیرزمینی است که در صورت بهره‌برداری، امکان جایگزینی آن وجود ندارد. تأکید وی بالاخص بر مسئله انرژی و نفت است

1. Paul Rogers

و منطقه مورد نگرانی وی نیز خلیج فارس می‌باشد، هر چند که به دیگر بحران‌ها همچون بحران غذایی با ذکر آمار و ارقام هم اشاره شده است. از نکات قوت مطلب راجرز این است که وی در این رابطه پیشنهاداتی برای درمان و رفع مسائل مزبور ارائه می‌دهد. سپس به عملکرد اوپک می‌پردازد و تأثیر توسعه پایدار را در دگرگونی درونی کشورهای در حال توسعه یادآور می‌شود. اما میان استراتژی‌های اتخاذ شده در جهان سوم و کشورهای صنعتی قائل به تفاوت بوده و معتقد است که الگوهای شمال نباید برای جنوب پیشنهاد شود.

در فصل هفتم، با عنوان «از سازمان بین‌المللی تا سازمان‌های بین‌المللی» آلاسدر مک‌لین^۱، به بحث سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازد و آن را یکی از مهم‌ترین موضوعات موجود در روابط بین‌الملل می‌داند. او در ابتدا به تعریف و طبقه‌بندی سازمان‌های بین‌المللی دولتی و تفکیک آنها از سازمان‌های غیردولتی اشاره می‌کند و با ذکر جداول و آمار، روند روبه‌رشد این سازمان‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

به نظر می‌رسد مک‌لین به واسطه محدودیت در امر نگارش و تلخیص مطلب به بررسی حیطه گسترده‌ای از اشکال سازمان‌های بین‌المللی نپرداخته است. براین اساس، توجه وی تنها متمرکز بر دو نوع سازمان بین‌المللی (IGOs) و (NGOs) شده است. در ادامه، وی به بحث پیرامون جامعه ملل (ناکامی‌ها)، اهداف سازمان ملل، اصلاحات ساختاری در سازمان

ملل و در نهایت آینده سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازد.

فصل هشتم، به منطقه خاورمیانه به عنوان عرصه رقابت و منازعه مربوط می‌شود. دلیل انتخاب خاورمیانه، اهمیت این منطقه در سیاست بین‌الملل است. با نگاهی گذرا به فهرست کتاب متوجه می‌شویم که تنها سه منطقه مورد مطالعه قرار گرفته است: خاورمیانه، روسیه و خارج نزدیک، و اروپا که از این میان خاورمیانه در اولویت ترتیبی کتاب لحاظ شده است. در این رابطه، جیمز وایلی^۲ نویسنده مقاله «خاورمیانه» اظهار می‌دارد که با وجود پایان جنگ سرد و به تعبیری پایان منازعه جهانی، ناامنی این منطقه شدت یافته است و این خرده سیستم، رفتاری به مراتب پیش‌بینی‌ناپذیرتر از دوران جنگ سرد دارد. لذا وی در این بخش به شناسایی و تبیین ویژگی‌های برجسته خاورمیانه توجه می‌کند و در نهایت دورنمای منطقه را ترسیم کرده، آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

در این رابطه، وایلی با تقسیم‌بندی جالبی، کشورهای خاورمیانه را با توجه به اهمیت استراتژیکی آنها، در گروه کشورهای «مرکز» یا «پیرامون» قرار می‌دهد. در این طبقه‌بندی، کشورهای ایران، عراق، شبه‌جزیره عربستان، لبنان، اسرائیل، اردن و مصر در مرکز خاورمیانه قرار می‌گیرند. در واقع تمرکز و کانون توجه نویسنده بر کشورهای مرکز است، هر چند

1. Alasdair Mclean

2. James Wylie

ارجاعاتی چند به دولت‌های پیرامونی نیز شده است. اهمیت استراتژیک خاورمیانه از نظر وایلی بر سه منطقه استوار است: کانال سوئز، تنگه باب‌المنذب و تنگه هرمز؛ زیرا هر سه مسیر، گذرگاه بزرگ نفتی به شمار می‌آیند و حیات و بقای کشورهای شمالی وابسته به آنهاست. نویسنده پس از موضوع نفت، به روند صلح اعراب - اسرائیل می‌پردازد و در نهایت، اسلام را در قالب محافظه‌کار و احیاگر طبقه‌بندی می‌کند. مقصود او از اسلام محافظه‌کار، اسلامی سنتی، غیرسیاسی و با جهت‌گیری حفظ وضع موجود می‌باشد که در سیاست خارجی نیز از مواضع رادیکالی پیروی نمی‌کند. در حالی که اسلام احیاگر، اسلامی رادیکال، جهانی و تجدیدنظرطلب است که نظام‌های سکولار غرب را رد می‌کند و شریعت را مبنای حقوق دولت قرار می‌دهد.

در پایان مقاله، وایلی درباره دولت‌های یاغی و صلح‌آمیز بحث می‌کند و با اشاره به سیاست مهار دوجانبه و گفتگوی انتقادی پیرامون ایران نتیجه می‌گیرد که نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر این که دوره کوتاه هژمونی نسبی آمریکا مورد چالش قرار گرفته است. در این رابطه، آمریکا ابتکاراتی را در قبال دولت‌های دنباله روی شوروی پیشین از جمله لیبی، سوریه و عراق تعقیب می‌کند. پایان نوشتار به دورنمای وضعیت خاورمیانه اختصاص دارد. به اعتقاد نویسنده، سیستم بین‌المللی موجود در خاورمیانه به لحاظ تاریخی جوان است و

دستیابی به بلوغ، مستلزم گذشت زمان می‌باشد. فصل نهم مربوط به موضوع روسیه و خارج نزدیک است. گرام هرلد در این مقاله به روابط میان روسیه و کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی پیشین می‌پردازد و این سؤال را مطرح می‌کند که تا چه اندازه میراث شوروی می‌تواند نقش مهمی را در روابط بین‌الملل پس از شوروی ایفا کند؟

بر این اساس و برای ارزیابی و درک روابط، وی با تحلیل ماهیت نظام و تحولات قدرت در شوروی و تأثیر میراث آن بر روابط بین‌الملل معاصر، این روند را از استالینسم تا گورباچف‌سیسم دنبال می‌کند. مورد مطالعاتی وی، سیاست خارجی روسیه در قبال منطقه بالکان و نیز گسترش ناتو به شرق می‌باشد که این مسئله را به ویژه در قرن بیست و یکم دنبال می‌کند.

در فصل دهم، ترور سالمون که تدوین این مجموعه را هم برعهده داشته است، به بررسی وضعیت اروپا و همگرایی اتحادیه اروپایی می‌پردازد. موضوعات مورد علاقه وی، ماهیت اروپا، تقسیمات موجود در اروپا، سازمان‌های اروپایی، ساختار اتحادیه اروپا و معیار همگرایی در اروپاست. در واقع از نقاط مثبت کار او، پرداختن به دو سطح تحلیل خرد و کلان می‌باشد و نوشته مزبور، اطلاعات مفید و ارزنده‌ای هر چند کوتاه را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

زاییده نوعی نارسایی در این رشته می‌باشد.

فرجام

مرور مقالات این کتاب نشان می‌دهد که:

- (۱) محققان تلاش داشته‌اند که موضوعات جدید موجود در روابط بین‌الملل را به زبانی ساده و روشن برای مخاطبان خود بیان کنند، به طوری که خلاصه هر عنوان یا زیر عنوان موجود در هر فصل، برای فهم بهتر خوانندگان در نموداری ارائه شده است. این امر سبب می‌شود مخاطبان با رجوع به جعبه‌های اطلاعاتی مربوطه، در صورتی که موضوعات را در حیطه علاقه خود ببینند، آن را دنبال کنند.
- (۲) کتاب هر سه روش توصیفی، تبیینی و تجویزی را مدنظر داشته است و نویسندگان ارائه یک دورنما و آینده‌نگری را محور اصلی کار خود قرار داده‌اند.

(۳) کتاب از یک سیر منطقی در ترتیب موضوعی برخوردار می‌باشد. از سوی دیگر سطح تحلیل کلان و خرد نیز مورد تأکید نویسندگان در ابعاد جهانی شدن و منطقه‌گرایی بوده است.

(۴) سخن آخر این که موضوعات موجود در روابط بین‌الملل با طرح سؤالات اصلی، مسائل را به طور شفاف از گذشته تا حال به طور گذرا در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

مجموع نکات فوق سبب می‌شود که کتاب مزبور مفید و خواندنی ارزیابی شود.

در نهایت وی ارزیابی منفی از عملکرد اتحادیه اروپا، چه به لحاظ شکلی و چه محتوایی، دارد. از منظر وی حاکمیت و هویت در اروپا همچنان در محاق ابهام قرار دارد. لذا این سؤال مطرح می‌شود که آیا اتحادیه اروپایی مدل مناسبی برای توسعه اروپا خواهد بود، و یا مدلی برای واگرایی و بحران‌های موجود یوگسلاوی پیشین محسوب می‌شود؟ نقطه مثبت دیگر، توجه خاص بر روند همگرایی در بعد دفاعی - امنیتی است که نویسنده این روند را به طور معقولی دنبال می‌کند، هر چند نقطه منفی مقاله این است که به همگرایی در دیگر ابعاد همچون همگرایی اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی کمتر بهاداده شده است. در مجموع، خواندن این مقاله به علاقمندان و پژوهشگران مسائل اروپا پیشنهاد می‌گردد.

مقاله پایانی، «اندیشه پردازی در روابط بین‌الملل» از «ویوین جبری»^۱ به مسائل و موضوعات تئوریک و مناظرات موجود در روابط بین‌الملل اختصاص یافته است. در واقع، در مقایسه این کتاب با دیگر کتاب‌هایی که در این زمینه قلم خورده‌اند، متوجه می‌شویم که کتاب مورد نقد، هر دو بعد تئوری و عمل را مدنظر دارد و در صدد است میان این دو پیوندی برقرار کند و خواننده را در تبیین بهتر مسائل یاری دهد. بر این اساس، ویوین جبری با پرداختن به مسائل موجود در رشته روابط بین‌الملل معتقد است که عدم پیش‌بینی تحولات عمده جهانی، همچون سقوط اتحاد شوروی،